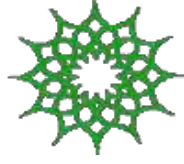


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان‌شناسی

گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

بررسی شخصیت اسطوره‌ای کی کاوس

بر اساس منابع دوره باستان، میانه و دوره اسلامی

استاد راهنما:

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور:

دکتر فرزانه گشتاسب

پژوهشگر:

فریبا ملاعلی اکبری

تیر ماه ۱۳۹۷

دریای سپاس قطره ایست در برابر دانش و اخلاق و فرزاندگی استاد دانشمندم

سرکار خانم دکتر زهره زرشناس

همچنین ارادت قلبی ام را نثار استاد گران قدم سرکار خانم دکتر فرزانه

گشتاسب می‌کنم که همواره پشتیبانم بود

تقدیم به

پدر و مادرم

و حضورشان

چکیده:

کی کاوس در بین پادشاهان دوره اساطیری و پهلوانی ایران، پادشاهی است یگانه. او همچون جم و فریدون بی مرگ آفریده شده بود، اما بر اثر فریب دیوان دچار وسوسه فرمانروایی بر آسمان ها می شود و سرانجام سرنگون می گردد. در این رساله به بررسی شخصیت کی کاوس و روایات اساطیری مربوط به او در متون هندی، اوستایی، منابع پهلوی و تواریخ و رساله های دوره اسلامی می پردازیم. سپس درباره شخصیت و خاندان او بر مبنای منابع بحث می کنیم و اقدامات او را برمی شمیریم و سرانجام سعی می کنیم تا سیر تحول اسطوره کی کاوس را بررسی نماییم.

واژه های کلیدی: کی کاوس، اسطوره، منابع هندی، اوستا، منابع پهلوی، منابع دوره اسلامی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیش‌گفتار
۲	فصل اول: کلیات
۳	۱-۱. بیان مسأله و موضوع پژوهش
۵	۲-۱. قلمرو پژوهش
۵	۱-۲-۱. قلمرو مکانی
۶	۲-۲-۱. قلمرو زمانی
۶	۳-۲-۱. قلمرو موضوعی
۶	۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش
۶	۴-۱. اهداف پژوهش
۷	۵-۱. کاربردهای پژوهش
۷	۶-۱. نوع پژوهش
۷	۷-۱. پرسش‌های پژوهش
۷	۸-۱. فرضیه‌های پژوهش
۹	فصل دوم: روش‌شناسی پژوهش
۱۰	۱-۲. روش پژوهش
۱۰	۲-۲. روش جمع‌آوری اطلاعات
۱۰	۳-۲. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۱۱	فصل سوم: پیشینه پژوهش
۱۲	۱-۳. تاریخچه تحقیقات
۱۳	فصل چهارم: یافته‌های پژوهش
۱۴	۱-۴. کاوس در منابع مختلف
۱۴	۱-۱-۴. کاوس در متون هندی
۱۸	۲-۱-۴. روایات دیگر درباره کاویه اوشنس
۲۹	۳-۱-۴. کاوس در متون اوستایی

۳۱	۴-۱-۴. کاوس در متون پهلوی
۴۱	۴-۱-۵. کاوس در متون اسلامی به جز شاهنامه
۵۹	۴-۱-۶. کاوس در شاهنامه
۷۰	۴-۲. شخصیت و خاندان کاوس
۷۰	۴-۲-۱. کاوس شخصیتی اسطوره‌ای یا تاریخی
۷۱	۴-۲-۲. اشتقاق نام کی کاوس
۷۲	۴-۲-۳. نسب‌نامه کی کاوس در متون
۷۲	۴-۲-۳-۱. پدر
۷۵	۴-۲-۳-۲. فرزند
۷۵	۴-۲-۳-۳. برادر
۷۶	۴-۲-۳-۴. نوه و نبیره
۷۶	۴-۲-۳-۵. همسر
۸۰	۴-۲-۴. ویژگی‌های شخصیتی کی کاوس
۸۴	۴-۲-۵. حوزه فرمانروایی
۸۴	۴-۲-۶. مدت پادشاهی
۸۴	۴-۲-۷. مکان
۸۵	۴-۲-۸. نظایر
۸۶	۴-۲-۸-۱. بخت النصر
۸۷	۴-۲-۸-۲. نمرود
۸۸	۴-۲-۸-۳. هوخستره یا کواکسارس
۸۸	۴-۲-۸-۴. بلروفون
۸۹	۴-۲-۸-۵. چوانگ
۸۹	۴-۲-۸-۶. اتنه
۹۰	۴-۳. اقدامات
۹۰	۴-۳-۱. احداث کاخ، شهر، معبد، آتشگاه
۹۶	۴-۳-۲. صعود به آسمان

۱۰۲	۳-۳-۴. کشتن گاو
۱۰۴	۴-۳-۴. قتل اوشنر
۱۰۵	۵-۳-۴. لشکرکشی به مازندران و هاموران
۱۰۸	۴-۴. سیر تحول اسطوره کاوس در گذر زمان
۱۱۹	فصل پنجم: بحث، تفسیر و استنتاج
۱۲۰	۱-۵. خلاصه پژوهش
۱۲۱	۲-۵. ارزیابی فرضیه‌ها
۱۲۲	۳-۵. محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش
۱۲۳	فهرست منابع

پیش‌گفتار

کی‌کاوس در بین پادشاهان دوره‌ی اساطیری و پهلوانی ایران، پادشاهی است یگانه. هم از نظر خلق و خوی و منش و هم از جهت کارهای گوناگون که انجام داده است. کی‌کاوس، دومین پادشاه از سلسله‌ی داستانی و حماسی کیانیان، پادشاهی بزرگ و قدرتمند بوده است که داستان‌های بسیاری حول محور او به وقوع پیوسته و به صورت‌های گوناگون در ادوار بعد نقل شده است. درباره‌ی او روایاتی در منابع اوستایی، پهلوی و تاریخ‌های دوره‌ی اسلامی و حماسی آمده است. غمنامه‌ی رستم و سهراب و داستان سیاوش در دوران پادشاهی وی اتفاق می‌افتد. کی‌کاوس در داستان‌های اسطوره‌ای ایران بیشتر به عنوان مظهر قدرتی یاد شده که بر هفت کشور و بر دیوان و آدمیان فرمانروایی می‌یابد. او بر سر کوه البرز کاخهایی می‌سازد، چنانکه هر کسی که بر اثر پیری نیرویش کم شود به کاخ او در می‌آید و دیگر باره توان بدو باز می‌گردد. او همچون جم و فریدون بی‌مرگ آفریده شده بود اما بر اثر فریب دیوان دچار وسوسه‌ی فرمانروایی بر آسمان‌ها می‌شود و سرانجام سرنگون می‌گردد؛ هر چند که به واسطه‌ی فروشی کی‌خسرو وی از مرگ رهایی می‌یابد ولی از آن پس میرا می‌گردد.

در این پژوهش به بررسی شخصیت کی‌کاوس و روایات اساطیری مربوط به او در متون هندی، اوستایی، منابع پهلوی و تواریخ و رساله‌های دوره‌ی اسلامی می‌پردازیم. سپس درباره‌ی شخصیت و خاندان او بر مبنای منابع بحث می‌کنیم و اقدامات او را برمی‌شمریم و سرانجام سعی می‌کنیم تا سیر تحول اسطوره‌ی کی‌کاوس را بررسی نماییم.

در بخش نخست به روایات مربوط به کی‌کاوس در متون هندی، اوستایی، پهلوی و منابع دوره‌ی اسلامی نگاهی می‌کنیم. در بخش بعد درباره‌ی شخصیت، خاندان و نسب‌نامه‌ی کی‌کاوس بحث می‌کنیم و شخصیت‌های مشابه او را در اساطیر دیگر ملل نشان می‌دهیم. سپس به مهمترین اقدامات این شاه اساطیری می‌پردازیم. در پایان سیر تحول اسطوره‌ی کی‌کاوس را بازمی‌نمایانیم.

فصل اول

کلیات

۱-۱. بیان مسأله و موضوع پژوهش

کی کاوس در بین پادشاهان دوره اساطیری و پهلوانی ایران، پادشاهی است یگانه. هم از نظر خلق و خوی و منش و هم از جهت کارهای گوناگون که انجام داده است. کی کاوس، دومین پادشاه از سلسله داستانی و حماسی کیانیان، پادشاهی بزرگ و قدرتمند بوده است که داستان های بسیاری حول محور او به وقوع پیوسته و به صورت های گوناگون در ادوار بعد نقل شده است. درباره او روایاتی در منابع اوستایی، پهلوی و تاریخهای دوره اسلامی و حماسی آمده است. غمنامه رستم و سهراب و داستان سیاوش در دوران پادشاهی وی اتفاق می افتد. کی کاوس در داستانهای اسطوره ای ایران بیشتر به عنوان مظهر قدرتی یاد شده که بر هفت کشور و بر دیوان و آدمیان فرمانروایی می یابد. او بر سر کوه البرز کاخهایی می سازد چنانکه هر کسی که بر اثر پیری نیرویش کم شود به کاخ او در می آید و دیگر باره توان بدو باز می گردد. او همچون جم و فریدون بی مرگ آفریده شده بود اما بر اثر فریب دیوان دچار وسوسه فرمانروایی بر آسمانها می شود و سرانجام سرنگون می گردد. هر چند که به واسطه فروشی کی خسرو وی از مرگ رهایی می یابد، ولی از آن پس میرا می گردد.

در مورد سلسله پیشدادیان می توان تقریباً با اطمینان گفت که شاهان این طبقه ماهیتی اساطیری دارند، اما در مورد کیانیان چنین اتفاق نظری وجود ندارد. برخی از محققان، از جمله ویندشمان و اشپیگل و دارمستتر در گذشته و لومل و ویکاندر و دومزیل در زمان نزدیکتر به ما کیانیان و یا حداقل برخی از شاهان این سلسله را اسطوره ای دانسته اند. در مقابل بسیاری از پژوهندگان، شاهان کیانی و معاصرانشان را شخصیت های تاریخی انگاشته اند.

عده‌ای همچون هرتل، هرتسفلد، هوزینگ با آرایشی متفاوت درباره شاهان نخستین این طبقه، گشتاسب کیانی را با گشتاسب پدر داریوش و کیانیان بعدی را با آخرین پادشاهان هخامنشی یکسان گرفته‌اند. عده‌ای دیگر که در رأس آنها کریستن سن و برخی از شاگردان هنینگ قرار دارند برآنند که کیان سلسله‌ای از امیران و شاهان ایران شرقی بودند که در دورانی پیش از تشکیل شاهنشاهی هخامنشی و مقدم بر ظهور زرتشت در شرق ایران دولتی بزرگ و یا کنفدراسیونی از حکومت‌های محلی تشکیل داده و بر ایالات شرقی ایران از مرو و هرات و بخشی از سیستان گرفته تا بلخ و سند و خوارزم حکومت می‌کردند (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۷۵).

در بخش‌های پراکنده اوستا، علاوه بر لهراسب و گشتاسب که نامش هرگز با دیگر کوی‌ها یکجا ذکر نمی‌شود، از هشت تن با عنوان کوی (-kavi) یاد شده که بعدها در سنت‌های دینی و روایات حماسی بسان افراد طبقه خاصی از شاهان ایران باستان معرفی شده‌اند. شواهد اوستایی جزئیات زیادی درباره نسبت کیان با یکدیگر و این که کدام پسر کدامین بوده و یا آگاهی‌های دیگر نمی‌دهد و به استثنای کی کاوس و کیخسرو درباره شش کوی دیگر چیزی جز نام آنها ذکر نمی‌کند (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۸۷).

از کاوس چهار بار در اوستای موجود یاد شده است. از او و کارهایش در متن‌های پهلوی و پس از اسلام نیز سخن رفته است. این پادشاه در میان پادشاهان حماسه ملی، بیشترین و طولانی‌ترین حضور در شاهنامه را دارد. داستان‌های مربوط به این شخصیت، ریشه در روایت‌های بسیار کهنی دارد که با گذر از میان ادوار مختلف به دوران نوتر رسیده است. بررسی حوادثی که در دوران ۱۵۰ ساله کی کاوس روی داده است و نیز نحوه برخورد او با وقایع گوناگون، پهلوانان و دشمنان ایران و به طور کلی مطالعه اجمالی خلیقات و شخصیت وی از جهات متعدد قابل توجه است.

در حماسه ملی کارهای نابخردانه و نسنجیده او سالیان دراز ایران و پهلوانان ایرانی و اقوام ایرانی را در برابر ناکامیها و دشواریها قرار داده و از طرف دیگر کوششهایی که برای جبران اشتباهات و ندانم کاریهای او انجام پذیرفته حماسه ملی را به اوج خود رسانیده است. چنانچه در شاهنامه فردوسی تقریباً تمامی حوادث دوران پادشاهی کی خسرو، نبیره کی کاوس، نیز دنباله حوادث روزگار پادشاهی کی کاوس به شمار می‌رود.

در منابع هندی نیز از شخصیتی به نام کاویه اوشنس (-kāvya Uśanas) نام برده می‌شود که نامش دقیقاً یاد آور نام کوی اوسن (kavi Usan) اوستایی است. مقایسه کاویه اوشنس هندی با کی کاوس ایرانی، صرف نظر از همانندی اسامی و شباهتهای کارهایشان و اینکه آیا این دو شخصیت با یکدیگر ارتباط دارند یا نه، می‌تواند کلید تاریخ نگاری ایران پیش از زردشت و روشن کننده مسائل حول محور این شخصیت باشد که ژرژ دومزیل به مطرح کردن آن اقدام نموده است. با آنکه دومزیل کمتر به طور مستقل به اساطیر ایرانی پرداخته است اما در بحث درباره شخصیت کاوس و مقایسه آن با شخصیت هندی کوی اوشنس به نتایج تازه‌ای درباره سلسله کیانیان می‌رسد و به نقد و بررسی آراء کریستن سن در مورد کیانیان می‌پردازد. به گمان دومزیل، کریستن سن در بازسازی سلسله کیانیان به عنوان شاهان تاریخی تنها به حفظ آن بخشهای منطقی پرداخته که با نظر خود مناسب می‌دانسته و بسیاری از جنبه‌های دیگر را نادیده گرفته است. او با مقایسه کاوس و کوی اوشنس پیوند اسطوره‌ای آنها را روشن می‌سازد و از این طریق نظر کریستن سن مبنی بر تاریخی بودن کیانیان را رد می‌کند. در آغاز این رساله، نگارنده با بهره‌گیری از کتاب بررسی اسطوره کاوس در اساطیر ایرانی و هندی این نویسنده به تحلیل کوی اوشنس هندی و کردارهایش پرداخته و هر جا که مشابهتهایی با کاوس ایرانی دیده شده به ذکر آن پرداخته‌ام.

هدف از این رساله آن است که روایات اساطیری که گرد شخصیت کاوس پیچیده شده را بازشناسی و واکاوی کند. روایات اساطیری از نظر گاه آیینی و رمزی و به عنوان پدیده‌های مذهبی بررسی خواهند شد. در فصل اول این رساله به مقدمات و بررسی کاوس در متون دوره های هندی، اوستایی، پهلوی، منابع اسلامی و شاهنامه می‌پردازیم. در فصلهای بعد نیز به نسب‌نامه و ویژگی‌های شخصیتی کاوس و همچنین نظایر او و اقدامات و سیر تحول اسطوره‌ای کاوس در گذر زمان خواهیم پرداخت.

۱-۲. قلمرو پژوهش

۱-۲-۱. قلمرو مکانی:

از آنجا که این پژوهش تحقیقی صرفاً کتابخانه‌ایست وارد قلمرو مکانی نمی‌شود.

۱-۲-۲. قلمرو زمانی:

این پژوهش به بررسی منابع اساطیری از حدود هزاره اول پیش از میلاد تا منابع بعد از اسلام می‌پردازد. گستره زمانی این پژوهش این بازه این بازه تقریباً دو هزار ساله را پوشش می‌دهد. موضوع رساله درباره دوران اساطیری تاریخ ایران یعنی سلسله کیانی و کاوس است. منابع مورد بررسی در این راستا از منابع دوران باستان تا دوره اسلامی را دربرمی‌گیرد.

۱-۲-۳. قلمرو موضوعی:

موضوع این رساله در دایره بررسی‌های اساطیری و حماسی است.

۱-۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش در توصیف و ارائه اطلاعات درباره شخصیت کی‌کاوس بنا بر منابع دوره باستان تا دوره اسلامی است. این تحقیق می‌تواند دیدی دقیق و جزئی درباره جنبه‌های مختلف شخصیت کی‌کاوس فراهم کند. نبود چنین تحقیق جامعی بر ضرورت انجام آن صحنه می‌گذارد.

۱-۴-۱. اهداف پژوهش

مهمترین اهداف تحقیق حاضر را می‌توان چنین برشمرد:

- توصیف شخصیت کاوس بر اساس منابع مختلف
- بررسی سیر تاریخی تحول شخصیت کاوس
- نشان دادن تفاوت‌ها و شباهت‌های روایات مربوط به کاوس در منابع مختلف
- تحلیل شخصیت و اعمال کاوس بر اساس ساختار سه کارکردی دومزیل

۱-۵. کاربردهای پژوهش

اطلاعات و نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در مطالعات اسطوره‌شناختی سودمند باشد. روشی که این پژوهش بر اساس آن انجام می‌شود، یعنی مطالعه تطبیقی بر مبنای نگاه دوزمیل می‌تواند بسیاری از پرسش‌های مهم درباره روایات مربوط به شاهان اساطیری ایرانی را روشن کند.

۱-۶. نوع پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کتابخانه‌ای است که از منظر اسطوره‌شناسی تطبیقی به موضوع تحقیق می‌نگرد.

۱-۷. پرسش‌های پژوهش

۱. شخصیت کاوس در اساطیر هندی چگونه است؟
۲. شخصیت کاوس در اساطیر ایرانی چگونه است؟
۳. چه تفاوت‌هایی در جنبه‌های مختلف شخصیت کاوس بین منابع دیده می‌شود؟
۴. روند منفی شدن شخصیت کاوس از چه دوره‌ای آغاز می‌شود؟

۱-۸. فرضیه‌های پژوهش

۱. کاویه اوشنس (kāvyā uśanas) در ریگ ودا/ شخصیتی اسطوره‌ای است که نه خداست و نه پهلوان بلکه به نوعی شاعر و حکیم توانمندی است که سراینده‌گان ودایی از او با نام اوشنه (uśanaḥ) یاد کرده‌اند.
۲. در اوستا به دنبال ذکر نخستین شاهان و پهلوانان داستانی که سرگذشت آنان در اساطیر هندوایرانی آمده، یعنی پیشدادیان، شاهانی ذکر شده‌اند که عنوان کوی دارند و به ترتیب خاص در یشت ۱۳ (بند ۱۳۲) و یشت ۱۹ (بند

۷۱ به بعد) نام برده شده‌اند و عبارتند از: کوی کوتاه (kavi Kavāta)، کوی اپیوهو (kavi Aipivohu)، کوی اوسدن (kavi Usaḍan)، کوی ارشن (kavi Aršan)، کوی پسینه (kavi Pisinah)، کوی بیرشن (kavi Byaršan)، کوی سیاورشن (kavi Syāvaršan)، کوی هوسروه (kavi Haosravah). هر چند در اوستا از کاوس و برخی کردارهایش یاد شده است، اما خطوط اصلی چهره این شخصیت در متن های پهلوی و متنهای پس از اسلام (فارسی و عربی) نمودار می شود. در کتب پهلوی درباره کی اوس (Kāy-ūs) اطلاعاتی به دست می آید که در یشتها دیده نمی شود. با نگاهی به منقولات کتب تاریخی قرون چهارم تا هفتم هجری معلوم می شود که چارچوب داستان همان است که در دینکرد و به صورت اشاره وار در سایر آثار پهلوی آمده، اما دریای فراخکرد یا دریای وروکشه به خلیج فارس یا مازندران تبدیل شده است.

۳. روایات منابع مختلف از منابع هندی گرفته تا منابع مختلف ایرانی درباره کاوس یکدست نیست. مثلاً درباره گناه کاوس بین منابع پهلوی و منابع دوره اسلامی اختلافاتی به چشم می خورد.

۴. هرچند برخی از جنبه های منفی شخصیت کاوس را می توان تا عصر ودایی عقب برد، اما کردارهای بد کاوس را به روشنی می توان از منابع دوره میانه به بعد مشاهده کرد.

فصل دوم

روش شناسی پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

روش انجام این تحقیق روشی کتابخانه‌ای و مبتنی بر منابع دست اول ودایی، اوستایی، پهلوی، منابع تاریخی دوره اسلامی و شاهنامه است. در این پژوهش در کنار منابع دست اول از تحقیقات دانشمندان در زمینه اساطیر ایرانی، به ویژه تحقیقات مربوط به خاندان کیانی استفاده می‌کنیم.

۲-۲. روش جمع‌آوری اطلاعات

گردآوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از منابع مکتوب در زمینه اساطیر ایرانی است. این منابع شامل منابع و کتابهای کاغذی یا فایل‌های دیجیتالی متون است. از مهمترین اقدامات برای جمع‌آوری اطلاعات مراجعه به کتابخانه‌ها و استفاده از پایگاه‌های اینترنتی است.

۲-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تحلیل مواد و اطلاعات در این رساله از روش اسطوره‌شناسی تطبیقی و نظریه جامعه سه طبقه هندواروپایی دومزیل بهره می‌بریم تا بتوانیم به کمک این ابزار اندکی از ابهامات موجود در این موضوع بکاهیم.

فصل سوم

پیشینه پژوهش

۳-۱. تاریخچه تحقیقات

کسانی که در زمینه کیانیان تحقیقاتی انجام داده‌اند، به کاوس نیز پرداخته‌اند. مهم‌ترین اثر در این زمینه کتاب *کیانیان کریستن‌سن* است. ذبیح‌الله صفا نیز بر اساس همین کتاب در کتاب *حماسه‌سرایی در ایران* به شخصیت کاوس نیز پرداخته است. مقالاتی درباره جنبه‌های مختلف روایات مربوط به کاوس نوشته شده، از جمله دو مقاله از ابوالقاسم اسماعیل‌پور با نام‌های «کی‌کاوس و کویه اوشنس» و «اسطوره آسمان‌پیمایی کی‌کاوس». مهشید میرفخرایی در مقاله «اسطوره کاووس در گذر زمان» تلاش کرده مایه‌های اصلی این داستان را نشان دهد و تغییر و تحولات آن را در طول زمان مشخص کند. زهره زرشناس در مقاله‌ای با عنوان «کاووس در ایران و هند» اشتراکات و تمایزهای شخصیت کاوس را در متون هندی از ودایی تا متون متأخر و متون ایرانی از اوستا تا منابع متأخر روشن کند. در این مقاله جزئیات دقیقی درباره شخصیت کاوس بر اساس منابع هندی و ایرانی ارائه شده است.

فصل چهارم

یافته‌های پژوهش

۴-۱. کاوس در منابع مختلف

۴-۱-۱. کاوس در متون هندی

کاویه او شنس (kāvyā uśanas) در ریگ ودا/ شخصیتی اسطوره‌ای است که نه خداست و نه پهلوان بلکه به نوعی شاعر و حکیم توانمندی است که سرایندگان ودایی از او با نام او شنه (uśanaḥ) یاد کرده‌اند. در مندلّه نهم سرود ۹۷ که به ستایش سومه پرداخته به حکمت عالی او شنه اشاره می‌کند و در مندلّه چهارم سرود ۲۶ در ستایش ایندره به خردمندی او شنه از زبان ایندره تاکید دارد: « من او شنه خردمندم مرا بنگرید». این شخصیت در سرودها نقش مهمی ایفا نمی‌کند و بیشتر متنهایی که نام وی در آن آمده مبهم است و این ابهام به آن سبب است که از کارکردهای اسطوره‌ای این شخصیت آگاهی چندانی در دست نیست.

در یکی از سرودهای ریگ ودا/ (۶۲۲/۱۰) از گفتگوی بین ایندره و قهرمان انسانی همراه وی با او شنس در می‌یابیم که هنگام ماموریت، آن دو از او شنس اندرز می‌گیرند و زمانی که وی از آنان پرسش می‌کند که چرا شما دو تن از راهی دراز از آسمان و زمین به سرای ما به سوی موجودی میرا آمده‌اید، پاسخ دیدار کنندگان نیامده است، اما از دیگر سرودها (۱/۵۱/۱۰) برمی‌آید که ایندره سرای میزبان خود، او شنس، را سرخوش و سرمست سومه با توانی که او شنس به او بخشیده ترک می‌کند. در دو سرود دیگر ظاهراً به نقش مهم او شنس در بنیان نهادن نخستین قربانی اشاره شده است که وی همانند هوتر و دین مرد « سرود خوان آتش نشاند» (۸۲/۲۳/۱۷) و «گاووان را گرد آورد» (۱/۸۳/۵). همه آنچه که در ریگ ودا/ در مورد کاویه او شنس آمده همین است (دومزیل، ۱۳۸۴: ۳۳) ولی در منظومه مهابهارته به این شخصیت در فصول مختلف اشاره گردیده است.